

نگاهی اجمالی به دیوان کیفری بین المللی

* کریستین ئی . فیلیپ

** ترجمه : دکتر علی قاسمی

مورخ ۸۳/۱۰/۱۷

سرانجام آرزوی دیرینه جامعه جهانی در تاسیس یک دیوان کیفری بین المللی که اندیشه آن به دهه ۱۹۵۰ بر می گردد جامه عمل پوشید. در ۱۷ ژوئیه ۱۹۹۸ ، ۱۲۰ دولت در رم قاطعانه به اساسنامه آن رای مثبت دادند که با کسب حدنصاب لازم از اول ژوئیه ۲۰۰۲ لازم الاجرا گردیده است.

دیوان برخلاف دیوان های نورنبرگ و توکیو دارای ویژگی بین المللی است و در مقایسه با دیوان های یوگسلاوی سابق و رواندا به طور دائمی - و نه موقت - تشکیل می گردد. دیوان مذکور اساساً به موضوعاتی می پردازد که به طور کلی به عنوان نقض شدید حقوق بشر توصیف می شوند. نکته حائز اهمیت آن که اساسنامه دیوان نه فقط تعقیب و مجازات اشخاص را پیش بینی کرده ، بلکه مشارکت مشروع آنها را به عنوان قربانی نیز به رسمیت شناخته است .

کلید واژه ها : دیوان کیفری بین المللی - اساسنامه - دولت - کنوانسیون - جرایم - صلاحیت - تصویب - بشریت - نسل کشی - دادستان

* مشخصات ماخذ مقاله به شرح زیر است:

Christiane E. Philipp, " The International Criminal Court - A Brief Introduction " , Max Planck Yearbook of United Nations Law , Vol .7, 2003 , pp.331-339

** عضو هیات علمی دانشکده علوم قضایی و خدمات اداری .

۱- پیشگفتار

در کنفرانس ملل متحد که از ۱۵ ژوئن تا ۱۷ ژوئیه در رم (ایتالیا) برگزار شد دولت‌ها قاطعانه اساسنامه تاسیس یک دیوان دائمی کیفری بین‌المللی* را تصویب نمودند.^۱ اسناد معروف به اساسنامه رم تا آوریل ۲۰۰۲ به تصویب بیش از ۶۰ دولت (حد نصاب لازم برای اجرا شدن آن) رسیده و از اول ژوئیه ۲۰۰۲ لازم الاجرا گردیده است.^۲

* A Permanent International Criminal Court.

۱- ۱۲۰-۱ رای مثبت، ۷ رای منفی و ۲۱ رای منتنع. در عین حال ثبت رسمی از آراء دولت‌ها وجود ندارد، چرا که درخواستی برای ثبت آراء مطرح نشد.

۲- سنگال (Senegal) اولین دولتی است که اساسنامه را تصویب نمود و تا اوت ۲۰۰۳، ۹۱ دولت آن را تصویب کرده‌اند.

۳- انتخابات از ۳ الی ۷ فوریه ۲۰۰۳ برگزار شد. براساس بند (۳) ۸ از ماده ۳۶ اساسنامه هجده نامزد کرسی قضاوت عبارتند از- (دوره تصدی که برای یک دوره سه تا نه سال انتخاب شده): آر. بلاتمن (R. Blattaman) از بلیوی (۶ سال)؛ ام. کلارک (M. Clark) از ایرلند (۹ سال)؛ اف دایرا (F. Diarra) (از مالی (۹ سال)؛ آ. فول فورد (A. Ful Ford) از انگلستان (۹ سال)؛ پی. هودسون (P. Hudson) از ترینی داد و ترباگو (۹ سال)؛ سی. جوردا (C. Jorda) از فرانسه (۶ سال)؛ ایچ. بی. کول (H.P. Koul) (۳ سال)؛ از آلمان؛ پی. کرش (P. Kirsch) از کانادا (۶ سال)؛ نی. کورولا (E. Kourula) از فنلاند (۳ سال)؛ آ. کون هیا (A. Kuenyehia) از غنا (۳ سال)؛ نی. اودیو بنیتو از کاستاریکا (۹ سال)؛ ج. پیکس (G. Pikis) از قبرس (۶ سال)؛ آن پیلای (N. Pillay) از آفریقای جنوبی (۶ سال)؛ ام. پل لی تی (M. Politi) از ایتالیا (۶ سال)؛ تی. ان. اسلاد (T.N. Sladre) از ساموا (۳ سال)؛ اس. سونگ (S. Song) از کره جنوبی (۳ سال)؛ اس. استینر (S. Steiner) از برزیل (۹ سال)؛ آ. اوزاکا (A. Osaka) از لتویا (۳ سال). افتتاحیه رسمی دیوان در ۱۱ مارس ۲۰۰۳ برگزار شد. بلافاصله پس از آن قضاوت سوگند یاد کرده و راجع به تشکیل اولین جلسه خصوصی شان به عنوان دیوان مشورت نموده، و P. Kirsch را به عنوان رئیس و دونایب رئیس نیز انتخاب کردند. بعلاوه در آوریل L.M. Ocampo, 2003 از آرژانتین به عنوان دادستان کل منصوب شد.

دیوان که مقر آن در شهر لاهه هلند است و متشکل از هجده قاضی مورد قبول بین المللی است که برای یک دوره سه تا نه سال انتخاب می شوند.^۴ تیمی از بازپرسان و دادستان نیز در دیوان اشتغال به کار دارند. دیوان از اجزای سازمان ملل متحد نیست. ساختمانی از سوی دولت هلند در اختیار دیوان قرار داده شده و یک تیم مقدماتی در ژوئیه ۲۰۰۲ به تنظیم نیازهای عملی و راه اندازی دیوان پرداخته اند.

بر اساس ماده ۵ اساسنامه، دیوان قادر به تحقیق و محاکمه افرادی است که متهم به شدیدترین نقض های حقوق بشر دوستانه و حقوق بشر، جرائم جنگی، جرائم علیه بشریت، جرم نسل کشی و جرم تجاوز هستند، در حالی که جرم نسل کشی، جرائم علیه بشریت و جرائم جنگی در مواد ۸-۶ اساسنامه تعریف شده اند، ولی اساسنامه تا کنون متضمن تعریفی از جرم تجاوز نیست.^۴

دیوان در مقابل دولت هایی که اساسنامه آن را تصویب کردند پاسخگو است. دولت هایی که اساسنامه را تصویب نموده اند موافقت کردند تا افرادی که به چنین جرائمی متهم شدند را بر اساس قوانین ملی شان تعقیب، یا برای محاکمه به دیوان تسلیم کنند. صلاحیت دیوان برخلاف دادگاههای بین المللی مربوط به رواندا و یوگسلاوی برای وضعیت خاص نبوده و عطف به ماسبق نیز نمی شود.

۲- مسیر منتهی به رم

مسیر منتهی به رم طولانی و اغلب مشاخره انگیز بود. اندیشه تاسیس یک دادگاه کیفری بین المللی به جنگ جهانی اول بر می گردد زمانی که یکی از موسسین کمیته بین المللی صلیب سرخ در پاسخ به جرائم ناشی از جنگ فرانسه با پروس (آلمان)* تاسیس یک دیوان دائمی را پیشنهاد نمود.

۴- رجوع کنید به بند ۲ از ماده ۵ اساسنامه.

پس از جنگ جهانی اول معاهده صلح ورسای که در ۱۹۱۹ بین قدرت های متفق و متحدین آنها از یک سو و آلمان از سوی دیگر منعقد گردید، ماده ۲۲۷ این معاهده تاسیس یک دیوان کیفری ویژه بین المللی^{**} برای تعقیب قیصر آلمان^{***} به اتهام آغاز کننده جنگ را پیش بینی کرده بود.^۵ همچنین در مواد ۲۲۸ و ۲۲۹ معاهده ورسای تعقیب نظامیان آلمانی (به اتهام نقض قوانین و عرف جنگ) نزد دیوان های نظامی متفقین یا دادگاه های نظامی هر یک از قدرت های متفق یا متحدین آنها مقرر شده بود.^۶ مواد ۲۲۷، ۲۲۸ و ۲۲۹ هرگز به اجرا درنیامدند.^۷ این که آیا متفقین صرفاً آمادگی تحت تعقیب قرار دادن رئیس یک دولت را نداشته ، یا نحوه بیان ماده ۲۲۷، که در واقع جرم جدیدی ایجاد کرده^۸ کاملاً دقیق نبوده مساله ای است که همچنان مورد اختلاف باقی مانده است. تا آنجا که به اجرای مواد ۲۲۸ ، ۲۲۹ معاهده ورسای مربوط می شود. متفقین قبلاً در ۱۹۲۱ از آلمان درخواست کرده بودند تا شماره معدودی از

* -Franco –Prussain War.

** -An ad hoc international criminal tribunal

*** - The German Kaiser.

۵- بند ۱ از ماده ۲۲۷ معاهده ورسای مقرر می دارد : " قدرت های متفق و متحدین آنها به طور علنی و بلیام دوم (امپراتور سابق آلمان) را به جرم مهمی علیه اخلاقیات بین المللی و حرمت معاهدات متهم کردند ". بند ۲ از ماده ۲۲۸ معاهده ورسای مقرر می دارد : " دولت آلمان حق قدرت های متفق و در محاکمه آلمانی هایی که به نقض قوانین و عرف جنگی متهم بودند در دادگاه های نظامی را به رسمیت می شناسد... "

۶- بند ۱ از ماده ۲۲۹ اشعار می دارد : " اشخاصی که به اعمال مجرمانه اتباع یکی از قدرت های متفق و متحدین متهم هستند نزد دیوان های نظامی قدرت موردنظر محاکمه خواهندشد. "

۷- قیصر به کشور هلند پناهنده شد و متفقین بطور رسمی استرداد او را تقاضا نکردند.

۸- ماده ۲۲۷ به هیچ جرم شناخته شده بین المللی اشاره نکرده ، بلکه به نظرمی رسد به جرم تجاوز به عنوان جرم سیاسی نگریسته است.

مجرمین جنگی را به جای تاسیس دیوان نظامی متفقین ، نزد دادگاهی در شهر لایپت زیگ* تحت تعقیب قرار دهند.

پیشنهاد تعقیب ماموران ترک، کسانی که به دلیل کشتار گسترده ارمنی ها در ترکیه در ۱۹۱۵ نیز سرانجامی نیافت در واقع معاهده ۱۹۲۰ سور** (که هرگز به تصویب نرسیده)^۹ ، و نیز معاهده ۱۹۲۳ لوزان*** (معاهده نهایی صلح که با ترکیه منعقد گردید) که میتوانست مبنای این تعقیب ها قرار گیرند که تعقیب جنایاتی که علیه ارمنی ها ارتکاب یافته را پیش بینی نکرده بودند.^{۱۰}

تنها پس از جنگ جهانی دوم و تاسیس دادگاه های نورنبرگ و توکیو (که در این مقاله مورد بررسی قرار نمی گیرند) بود که تلاش جدی برای تاسیس یک مرجع دائمی در این رابطه آغاز گردید.^{۱۱} به طور مشخص ، کمیسیون حقوق بین الملل بین سالهای ۱۹۴۸ و ۱۹۵۷ ملزم به تنظیم اساسنامه دیوان کیفری بین المللی گردید.^{۱۲} ولی این تلاش ها

* -Leipzig

** Treaty of Sevres (1920)

۹- در سخنرانی که از هیلتر در ۱۹۳۹ گزارش شده وی اظهار داشت : " بالاخره از هر چه بگذریم ، امروز چه کسی راجع به نابودی ارمنی ها صحبت می کند ؟ " مقایسه کنید با:

M. Cherif Bassiouni "Form Versailles to Rwanda in Seventy-Five Years: The Need to Establish a Permanent International Criminal Court" in P.Ungari /M.P. Pietrosanti Malintoppi (eds). Verso un Tribunale Permanente Internazionale sui Crimini Control L umamita .Percedenti Storici E Prospective di Istituzione , 1996 , 135 seq. baddiouni

*** - Treaty of Lausanne (1923)

10-L.Weber , " Lamsanne Treaty (1923)" , in : R.Bernhard (ed.) , EPIL 3 (1997 , 147 et seq.

۱۱- برای تبیین اقدامات انجام شده در این رابطه پس از جنگ جهانی دوم ، رجوع کنید به Bassiouni زیر نویس شماره ۹، از صفحه ۱۴۳ به بعد.

۱۲- رجوع کنید به :

با مخالفت طرف های جنگ سرد ناکام ماند. روشن بود که جنگ سرد مانع از آن است که یک دادگاه دائمی کیفری تاسیس شود. تحولات قابل توجه در زمینه تصویب کنوانسیون راجع به پیشگیری و مجازات جرم نسل کشی،^{۱۳} که محاکمه مجرمین توسط چنین دادگاه کیفری بین المللی صلاحیت دار را پیش بینی کرده،^{۱۴} اعلامیه جهانی حقوق بشر^{۱۵} با فهرست تفصیلی از حقوق بشر و آزادی های اساسی مندرج در آن تعریف تجاوز از سوی مجمع عمومی سازمان ملل^{۱۶} و نیز تصویب میثاقین^{۱۷} .

پایان جنگ سرد تغییرات شگرفی را ایجاد کرد . برای اولین بار بدون هیچ گونه مداخله ایدئولوژیکی بحث ماهوی راجع به دیوان کیفری بین المللی که ضرورت وجود آن بیش از پیش احساس می شد مطرح گردید، زیرا در واقع پایان جنگ سرد تنش های نژادی خصوصا در اروپای مرکزی و شرقی را ایجاد کرد که آن نیز به نوبه خود موجب افزایش انواع جرائمی گردید که باید به آنها در یک دادگاه بین المللی رسیدگی شود.

در سال ۱۹۸۹ رابینسون* رئیس جمهور ترینیداد و توباگو** پیشنهاد تاسیس یک دیوان کیفری بین المللی را عمدتا به منظور تعقیب جرم قاچاق بین المللی مواد مخدر ، دوباره زنده کرد که این بار با اقبال جامعه بین المللی مواجه گردید.^{۱۸} این درخواست از سوی کمیته ششم (حقوقی) مجمع عمومی مورد بررسی قرار گرفت و از کمیسیون

United Nations (ed), The Work of the International Law Commission , 5 th edition , 1996 .24-30

13-A/RES/260 A (III) Of 9 December 1948.

۱۴- ماده ۶ از کنوانسیون مزبور.

15- A/RES/217 A(III) of 10 December 1948.

16- A/RES/3314 (XXIX) of 14 December 1974

17- A/RES/2200 A(XX) of 6 December 1966

*- Persident Robinson.

** Trinidad and Tobago.

18- Doc.A/C.6/44/I.18 of 20 November 1989.

حقوق بین الملل خواسته شد تا "مسأله تاسیس یک دیوان کیفری بین المللی ... باصلاحیت ، از جمله بر اشخاصی که با قاچاق غیر قانونی مواد مخدر اشتغال داشتهملحوظ نظر قرار داده " وبعد از نتیجه را به مجمع عمومی گزارش کند.^{۱۹}

منازعات بوسنی هرزگوین ، کرواسی ورواندا که نقض شدیدحقوق بشر را به همراه داشت و پاسخ فوری جامعه بین المللی را می طلبید به تاسیس دو دیوان اختصاص منجر شد.^{۲۰} اما بسیاری از دولت ها ترجیح دادند که یک دیوان دائمی به جای رسیدگی های ویژه و موردی تاسیس شود وبه منازعات گوناگون رسیدگی کند چنین دادگاهی می تواند موثرتر وبدون کنترل شورای امنیت به جرائم شدید بپردازد. تمامی عوامل مذکور سبب شد تا مجمع عمومی قلمرو درخواست اولیه خود از کمیسیون حقوق بین الملل را وسعت دهد ودر ۱۹۹۲ کمیسیون طرح اولیه را ارائه ومتن جامعی رادر ۱۹۹۳ تهیه و مالا پیش نویس اساسنامه رادر ۱۹۹۴ تنظیم کرد.^{۲۱} پس از آن کمیته ششم مجمع عمومی ، یک کمیته اختصاصی^{۲۲} درسال ۱۹۹۴ به منظور بررسی پیش نویس ارائه شده توسط کمیسیون حقوق بین الملل ایجاد نمود ودرسال ۱۹۹۵ کمیته مقدماتی برای تاسیس یک دیوان کیفری بین المللی بوجود آمد.^{۲۳} گزارش کمیته مقدماتی که در ۱۹۹۶ به مجمع عمومی تسلیم گردید ، متضمن این توصیه بود که مجمع مدت ماموریت کمیته مزبور را با دستور ویژه برای مذاکره پیرامون پیشنهادات به منظور تهیه متن تلفیقی اساسنامه واسناد پیوست تا ۱۹۹۸ گسترش دهد. بین سال

19- A/RES/44/39 of 4 December 1989.

۲۰- دیوان کیفری بین المللی برای یوگسلاوی سابق (S/RES/808-1993 of 22- February 1993) . و

دیوان کیفری بین المللی برای رواند (S/RES/955-1994 of 8 November 1994) .

21- GAOR 49 th sess., Suppl.No .10.

22- A/RES/49/53 of 9 December 1994.

23- A/RES /50/46 of 11 December 1995

های ۱۹۹۵ و ۱۹۹۸ یکی از موضوعات عمده در پیش نویس اساسنامه حل مساله مهم صلاحیت تکمیلی^{۲۴} موضوع اساسی برای تاسیس دیوان بوده است. جدای از مساله صلاحیت تکمیلی، صدها پیشنهاد ارائه شده از سوی هیات‌ها مشکل اساسنامه را دو چندان کرد. ولی به طور غیر منتظره کمیته مقدماتی در آوریل ۱۹۹۸ با ارسال اساسنامه به کنفرانس دیپلماتیک که آن هم دوماه بعد کارش را در رم آغاز کرد، ماموریتش را انجام داد.^{۲۵}

۳- مباحثات در رم و آثار آن

مباحثات در رم طولانی و مناقشه انگیز بود. مخصوصاً مساله مجازات اعدام مشکل‌زا از کار درآمد یافتن یک مصالحه برای قانع کردن دولت‌هایی که در آنها مجازات اعدام وجود دارد و نیز دولتی که آن را رد می‌کنند و یا در آنها تسلیم اشخاص به کشورهایی که در آنها مجازات اعدام وجود دارد طبق قوانین اساسی ممنوع می‌باشد، بسیار مشکل

۲۴- راجع به صلاحیت تکمیلی (Complementary Jurisdiction)، نگاه کنید به مقاله M. Benzing

در: Max Planck Yearbook UN Law, Vol. 7

۲۵- ۱۶۰ کشور در "کنفرانس دیپلمات نمایندگان تام‌الاختیار ملل متحد در مورد تاسیس یک دیوان کیفری بین‌المللی"

(The Undiplomatic Conference of plenipotentiaries on the Establishment of and International Criminal Court)

شرکت کردند. پیش نویس اساسنامه با ۱۴۰۰ نکته اختلافی به ثبت رسید که مؤید عدم توافق راجع به مقررات پیشنهادی است. مقایسه کنید با سند A/CONF.183/2/Add.1 of April 1998.

برای تفصیل خودپیش نویس و جرائم پیشنهادی نگاه کنید به:

A. Zimmermann 'The Creation of a Permanent International Criminal Court', Max Planck UNYB2 (1998), 169 et Seq.

۲۶- "حاملگی اجباری" هم به عنوان جرم علیه بشریت (g) ماده ۷) و هم به عنوان جرم جنگی (b)(XXI) ماده ۸) در اساسنامه گنجانیده شده و تعریفی از آن نیز ارائه گردیده است. نگاه کنید به:

Zimmermann، پانوشت شماره ۲۵، ص ۱۸۳

بود. گنجائیدن مقررہ ای درمورد عدم تاثیر گذاری (مجازات های مذکور در اساسنامه نسبت به مجازات های داخلی کشور) (موضوع ماده ۸۰ اساسنامه) راه حلی بود که دراین خصوص یافت شد.

درتعریف جرائم ، موضوع " حاملگی اجباری " یکی از مسائل اختلافی بود . این فرض که گنجائیدن چنین جرمی به طور ضمنی حق سقط جنین را ایجاد می کند درمقابل مخالفت قوی که به نفع وجود چنین حقی ابراز می شد قرار داشت.^{۲۶} جدای از حاملگی اجباری ، بسیاری از هیات های نمایندگی مایل بودند که اساسنامه جراثمی بیش از سه جرم اصلی : نسل کشی ، جرائم علیه بشریت و جرائم جنگی را شامل گردد . درخصوص تحت شمول قرار گرفتن جرم تجاوز یا به اصطلاح جرائم معاهداتی نظیر تروریسم وقاچاق غیر قانونی مواد مخدر ، مباحثات سنگینی انجام گرفت، ولی بالاخره اجماعی حاصل نگردید. بنابراین دو جرم اخیر الذکر در اساسنامه گنجائیده نشده^{۲۷} و برای جرم تجاوز راه حل خاصی پیش بینی گردیده است.^{۲۸}

همچنین مشخص شد که مقررات مربوط به صلاحیت دیوان و تاثیر متقابل شورای امنیت ، دول طرف اساسنامه و دادستان برای ارجاع وضعیت ها به دیوان موضوعاتی واقعاً مشکل ساز بوده است.

۲۷- اما سند Doc .A/CONF.183/10 of 16 July 1998 به امکان گنجائیدن این جرائم در آینده اشاره کرد . موضوع سلاح های کشتار جمعی که اجماعی درمورد آن بدست نیامده تماما به بعد موکول شد . دراین رابطه نگاه کنید به مقاله K.Domann در:

Max Plank UNYB, Vol .7,2003

۲۸- به صفحات بعد نگاه کنید

۲۹- برای مثال در رابطه با تعریف تجاوز ، نگاه کنید به :

P.Kirsch/J.T.Holmes , "The Birth of International Criminal Court : The 1998 Rome Conference ", CYIL36 (1998) , 3et Seq.

کنفرانس به پایان رسید اما توافقی راجع به این نکات اساسی حاصل نگردید. سرانجام مجموعه ای از مواد در قالب یک متن ارائه گردید این مجموعه به دلیل این نگرانی مورد حمایت قرار گرفت که تأخیر در تدوین اساسنامه به همه امیدها به تاسیس یک دیوان کیفری بین المللی برای مدت طولانی پایان دهد.

مجموعه ای که مورد توافق قرار گرفت چنان تدوین شده بود که تا آنجا که ممکن است دولت های بیشتری به عضویت اساسنامه درآیند، در غیر این صورت بدیهی است دیوان از حمایت گسترده برای فعالیت مؤثر برخوردار نخواهد بود.^{۲۹} برای مثال جرم تجاوز در فهرست جرائم گنجانیده شد، زیرا درج آن ضروری تشخیص داده شد. اما این طور تصریح گردید که: "دیوان تا زمانی در مورد جرم تجاوز اعمال صلاحیت خواهد کرد که مطابق مواد ۱۲۱ و ۱۲۳، مقررات مربوط به آن شامل تعریف جرم و تعیین شروطی که دیوان به موجب آن در خصوص این جرم اعمال صلاحیت خواهد خود. تصویب شده باشد...."^{۳۰}

مقرره ای کاملاً جدید یک مکانیزم "مستثنی ساختن" را پیش بینی کرده است براساس ماده ۱۲۴ به دولت ها اجازه داده شد "تا مدت هفت سال پس از لازم الاجرا شدن این اساسنامه در مورد آن دولت اعلام کند که صلاحیت دیوان را نسبت به جرائم جنگی که اتباع آن دولت مرتکب شده اند یا در قلمرو آن دولت ارتکاب یافته است. نمی پذیرد."^{۳۱} امید می رفت که چنین برهه زمانی باعث شود که دولت ها احساس آرامش بیشتری داشته باشند چرا که می توانستند عضو اساسنامه شده، اما در عین حال برای مدتی مشاهده کنند که دیوان چگونه به جرائم جنگی می پردازد. مواد ۱۶ و (b) و (a) ماده ۱۷ به مساله صلاحیت دیوان و تاثیر متقابل مذکور در بالا مربوط می شوند.

سرانجام به دو نکته باید اشاره گردد . هیچ گونه حق شرطی (تحفظ) بر این اساسنامه اجازه داده نشده است.^{۳۲} ولی با این حال مقرر ای وجود دارد که براساس آن هفت سال پس از لازم الاجرا شدن اساسنامه تشکیل یک کنفرانس بازنگری به منظور بررسی اصلاحیه پیشنهادی براساسنامه مذکور پیش بینی شده است.^{۳۳}

در ۱۷ ژوئیه ۱۹۹۸ اساسنامه به تصویب رسید^{۳۴} و متعاقباً چند سند کلیدی توسط کمیسیون مقدماتی تنظیم شده است. این اسناد عبارتند از: آیین دادرسی و ادله^{۳۵} ، عناصر تشکیل دهنده جرائم^{۳۶} ، موافقت نامه رابطه بین دیوان و سازمان ملل متحد (که به موافقت نامه مقرر معروف است)، اصول کلی حاکم بر موافقت نامه مقرر که باید بین دیوان و دولت میزبان مورد مذاکره قرار گیرد، قواعد و مقررات مالی، موافقت نامه راجع به امتیازات و مصونیت های کارکنان دیوان و بودجه اولین سال مالی و نیز آیین نامه داخلی مجمع دول عضو اساسنامه، براساس ماده ۱۱۲ اساسنامه، مجمع دول عضو

۳۰- بند ۲ از ماده ۵ اساسنامه

۳۱- نگاه کنید به مقاله ، M. Wagner در :

Max Planck UNYB, Vol. 7 , 2003.

مخصوصاً بخش (II.4) پانویست شماره ۴۵۹.

۳۲ - مقایسه کنید با ماده ۱۲۰ اساسنامه .

۳۳- مقایسه کنید با ماده ۱۲۳ اساسنامه.

۳۴- نگاه کنید با پانویست شماره ۱ این مقاله

۳۵- PCNICC/2000/1/Add.I . گزارش کمیسیون مقدماتی دیوان کیفری بین المللی (اصلاحیه قسمت

اول) که پیش نویس آئین دادرسی و ادله مورخ ۲ نوامبر ۲۰۰۲ را نهائی کرد.

۳۶- PCNICC/2000/1/Add.I ، گزارش کمیسیون مقدماتی دیوان کیفری بین المللی (اصلاحیه قسمت

دوم) که پیش نویس آئین دادرسی و ادله مورخ ۲ نوامبر ۲۰۰۲ را نهائی کرد. در این رابطه به پانویست شماره

۲۷ همین مقاله مراجعه شود.

تأسیس گردیده که متشکل از یک نماینده از هر دولت عضو است و به عنوان ارکان اداری دیوان کیفری بین‌المللی می‌باشد، انجام وظیفه می‌نماید.^{۳۷}

طی مراسم ویژه ای در سازمان ملل متحد اول آوریل ۲۰۰۲، سرانجام اساسنامه که به تصویب بیش از ۶۰ دولت رسیده می‌توانست در اول ژوئیه ۲۰۰۲ لازم الاجرا گردد. زمان نامزدی قضات و دادستان دیوان به طور رسمی ۹ سپتامبر ۲۰۰۲ آغاز گردید.^{۳۸} فقط دولت‌هایی که تا آن تاریخ اسناد تصویب اساسنامه رم را در (دبیرخانه) ملل متحد تودیع کردند قادر خواهند بود کسی را برای این منصب‌ها نامزد کنند.

موضوع نگران‌کننده، ماده ۹۸ اساسنامه است. ایالات متحده^{۳۹} فعلاً مقررۀ ماده مزبور را با انعقاد موافقت‌نامه دو جانبه به دول دیگر برای مصونیت مأمورینش از تعقیب در دیوان کیفری بین‌المللی به کار می‌برد که براساس آن دولت مربوط از استرداد اتباع آمریکا به دیوان مذکور ممنوع می‌گردد. تاکنون بیش از ۵۰ کشور به اصطلاح موافقت‌نامه‌های مصونیت را امضاء کرده‌اند^{۴۰} از آنجا که برای لازم الاجرا شدن موافقت‌نامه

۳۷- فهرست غیر حصری (تمثیلی) از اسنادی که توسط کمیسیون مقدماتی تهیه شده وجود دارد. مقایسه کنید با قطعنامه F در پیوست سند نهایی کنفرانس (Doc.A/CONF. 183/10 OF 17 July 1998)
 ۳۸- در خصوص انتخاب قضات، به پانویشت شماره ۳ این مقاله رجوع گردد.

۳۹- ایالات متحده در ۳۱ دسامبر ۲۰۰۰ اساسنامه (معاهده) مذکور را امضاء کرد، ولی طی نامه مورخ ۶ مه ۲۰۰۴ به دبیرخانه کل ملل متحد به طور رسمی اعلام نمود که دولت بوش درصدد تصویب (Ratification) نبوده و از هرگونه تعهد قانونی ناشی از امضاء اساسنامه اعراض می‌کند. سخنگوی سازمان ملل متحد در این رابطه اظهار داشته: "اثر اخطار موضوعی است که تصمیم‌گیری پیرامون آن در صلاحیت طرف‌های اساسنامه می‌باشد".

۴۰- تا اوت ۲۰۰۳: ازبکستان، موریتانی، جمهوری دومینیکن، تیمور شرقی، اسرائیل، جزایر مارشال، پالو؛ رومانی، تاجیکستان، هندوراس، افغانستان، میکرونزی، گامبیا، جی‌بوتی، تووالو، بحرین، گرجستان، جمهوری دموکراتیک کنگو، تونگا، گابن، غنا، ماداگاسکار، مالدیو، آلبانی، بوتان، فیلیپین، بوسنی، هرزگوین، بلوی، مصر، تایلند، مصر، تایلند، نیکاراگوئه، اوگاندا، منگولیا، تونس، سی‌چلز، توگو، موریتس، پامانا، کامبوج، ماسدونیا، بوسوانا، سنگال، موزامبیک، زامبیا، آوری کوست. البته تمامی این کشورها امضاءکننده

های مذکور تصویب پارلمان کشور مربوط ضروری می باشد، هنوز ممکن است که این موافقت نامه ها الزام آور نباشد.

سرانجام شایان ذکر است که من حیث المجموع اساسنامه سندی متعادل است. امید است که اساسنامه قدرت کافی به دیوان جهت انجام وظیفه مؤثرتر با حمایت بین المللی قوی تر اعطا کند. به هر حال تأسیس دیوان دستاوردی تاریخی بوده که به طور مسلم موجب نخواهد شد که از این به بعد منازعات و جنایات متوقف شوند، ولی همانطور که در اساسنامه آمده برای مرتکبین جرایم از هم اکنون بسیار مشکل خواهد بود که از مسئولیت فرار کنند. زیرا مرجع خاصی وجود داشته و حقوق در انتظار آن است که برای اجرای عدالت به کار برده شود. بدین ترتیب، قول گادیس که می گوید «عدالت؟ شما عدالت را در جهان دیگر بدست می آورید، و در این دنیا با حقوق سروکار دارید»، دیگر آن قدر هم بدبینانه جلوه نخواهد کرد.^{۴۱}

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

اساسنامه نیستند. همچنین درخصوص مسأله مصونیت (البته درزمینه هایی مختلف) ، مقایسه کنید با متن قطعنامه (S/RES/1422(2002) of 26 August 2002) ارائه شده از ایالات متحده مقرر می دارد که دیوان کیفری بین المللی بدوا به مدت یک سال تحقیق یا تعقیب هر موردی که به مامورین یا کارکنان عملیات سازمان ملل متحد از دولتی که عضو اساسنامه نیست را آغاز نخواهد کرد. قطعنامه مذکور با تصویب قطعنامه (S/RES/1487(2003) of 26 June 2003) تمدید شد. حتی قطعنامه (S/RES/1502(2003) of 26 August 2003) که به حمایت از کارکنان سازمان ملل متحد در مناطق درگیری مربوط می شود، به لحاظ فشار آمریکا صراحتاً به دیوان کیفری بین المللی اشاره نکرده است.